

خرابات

بحران سازی دوطرفه!



جواد طوسی

● هر دم از این بارغ بی می‌رسد. واقعا فضای فرهنگی- هنری باحالی داریم. اسم فرهنگ و هنر که می‌آید، آدم دوست دارد احساس آرامش خاطر کند و انتخاب دلخواهش را داشته باشد و دور از این هیاهو و قیل‌وقال با اثری که ریشه در ذات هنر دارد محصور شود و احساس پوچی و بی‌انگیزگی نکند. ولی فعلا اوضاع در این حوزه در کانون التهاب قرار داد و خبرها و موج‌ها خودبه‌خود به یک علاقه‌مند این وادی استرس وارد می‌کند. متأسفانه در نگاهی واقع‌بینانه باید بپذیریم بخشی از این بحران‌سازی‌ها و «والاسلام» گویی‌ها ریشه‌های سیاسی و جناحی دارد. گویی عده‌ای حاضر به یسراق و در حالت آماده‌باش منتظر آتوگرفتن و غلم‌کردن و زیر آگراندیسمان بردن هر موضوع و سوزهای هستند تا جناح مخالف و رقیبشان آب خوش از گلویش پایین نرود. بی‌خود نیست عوام‌الئاس می‌گویند سیاست پدر و مادر نداره! و وقتی سیاست به دامن هنر نیز رخنه کند که دیگر چه شود... هنوز مخالف خوانی‌ها در مورد فیلم «قصه‌ها» تمام نشده، بحران و مشکل در نمایش عمومی «رستاخیز» پیش می‌آید، پیشنهاده حذف عنوان «فجر» در بخش بین‌المللی جشنواره فیلم فجر که در بهار برگزار می‌شود تب انقلابی عده‌ای را بالا می‌برد، کمیسیون فرهنگی-هنری مجلس در شرایطی وزیر ارشاد را برای ادای توضیح در مورد اکران فیلم «قصه‌ها» احضار کرده که همین فیلم از سوی تعداد قابل‌توجهی از منتقدان (در کنار فیلم‌های «فجر» و «بهار» بهترین گزینه برای ارسال به آکادمی اسکار تشخیص داده می‌شود (پارادوکس از این آشکارت) و اخیرا اعتراض عدالتخواهانه علی ملاقلی‌پور، کارگردان «قدون چیزیه» به کاهش سینماها و سانس‌های فیلمش به دنبال اکران فیلم «محمد(ص)» مجید مجیدی. اتفاقا در مورد این آخری با توجه به شناختی که از روحيات و خلق و خوی علی ملاقلی‌پور داریم، اصلا نگاه سیاسی و خطی و شیطنت نمی‌بینم. به‌رحال او پسر رسول ملاقلی‌پور است و پسر کو نندارد نشان از پدر... علی‌آقا به جای مذاکره و هم‌زیستی سالمات‌آمیز و تسامح و تساهل ترجیح می‌دهد با روش آثارشینی پدرش عمل کند و خودش یک تنه حقتش را بگیرد. در اینجا نمی‌خواهم خودم هم آتش بیار معرکه شوم و مقصر و بی‌گناه قضیه را مشخص کنم. اما آیا بهتر نبود فیلمی که شخصیت محوری‌اش پیامبر مسلمین است، با روش و تمهید بهتری به نمایش عمومی درمی‌آمد و جای بقیه فیلم‌های در حال اکران را تنگ نمی‌کرد و حقانیت خود را به شکل طبیعی‌تر و عادلانه‌تری به رخ می‌کشید؟ قبول کنیم بعضی ندانم‌کاری‌ها هم به این بحران دامن می‌زند. بنابراین بد نیست برای پیشگیری‌های بعدی، «ستاد شناسایی بحران» در وزارت خفیمه ارشاد راه‌اندازی شود! از ما گفتن بود...

خبر سازان

برپایی نشست خبری ارکستر چکاوک

موسیقی امروز ما بیمار است

● شرق: ارکستر چکاوک چهارشنبه و پنجشنبه این هفته ۱۱ و ۱۲ شهریورماه در تالار وحدت روی صحنه می‌روند. نشست خبری ارکستر چکاوک، با حضور رضا شایسته، میلاد کلبایی و جمعی از اهالی رسانه در تالار وحدت برگزار شد. میلاد کلبایی در ادامه این نشست با اشاره به تغییر و تحولاتی که در موسیقی اتفاق افتاده گفت: دنیا رو به تحول است و همه‌چیز تغییر کرده است بنابراین این تحولات باید در موسیقی هم دیده شود اما در این‌میان مهم این است که سنت‌ها و ارزش‌ها را حفظ کنیم. باید پرسید چرا نسل فعلی به آهنگ‌ها گذشته گرایش دارد و باید پرسید که چرا نسل جدید از من می‌خواهند آثار گذشته را برایشان نت‌نویسی کنم؟ کلبایی در ادامه در پاسخ به سؤالی مبنی‌بر اینکه چرا نباید از خلاقیت‌ها و بدعت‌های جدید استفاده کرد، گفت: باید قبول کرد که موسیقی امروز ما بیمار است اما موسیقی گذشته برخلاف تصور از بین نرفته و شاید در حال زبیررفتن باشد.

ارکستر آلمانی به تهران می‌آید؟

شرط «سخنگو» برای رهبر ارکستر



شرق: حضور ارکستر آلمانی در ایران منوط به تغییر در اعضای آن شد. در تازه‌ترین اظهارنظری که سخنگوی وزارت ارشاد در مورد برگزاری کنسرت از سوی ارکستر برلین مطرح کرده، عنوان شده است در صورت تغییر دانیل بارن‌بوم، این گروه موسیقی می‌توانند به ایران بیایند. حسین نوش‌آبادی، سخنگوی وزارت ارشاد، در نشستی خبری که صبح دیروز، هشتم شهریور در سالن شورای فرهنگ عمومی برگزار شد، با بیان اینکه فرهنگ و هنر ایران، سرآمد است و افتخار می‌کنیم که ملتی صاحب‌تمدن هستیم، گفت: «سیاست ما این است که با کشورهای دیگر، توسعه فرهنگی و هنری داشته باشیم اما هرکجا احساس کنیم درباره افرادی در قالب یک تیم هنری، ورزشی یا گردشگری، شائیه وابستگی به رژیم صهیونیستی وجود دارد، برخورد خواهیم کرد».

نوش‌آبادی در مورد ارکستر ملی آلمان عنوان کرد: «درخواستی از طرف ارکستر ملی آلمان برای سفر به ایران و اجرا در این کشور رسیده که هم‌زمان با آن، بررسی‌های مختلفی با کمک نهادهای ذی‌ربط انجام شد. بررسی‌های ما نشان داد که رهبر این گروه،

چالش‌های کنونی تئاتر به روایت محسن حسینی

خبری از حمایت نیست

عسل عباسیان

محسن حسینی، بازیگر و کارگردان شناخته‌شده تئاتر ایران که تجربه حضور بین‌المللی در عرصه تئاتر و پرفورمنس را با بازی در نمایش «شاه لیر» رابرت ویلسون و همین‌طور کارگردانی پروژه تئاتر پرفورمنس «باز خاموشان»، در باتوهاوز شهر دسائو آلمان پشت سر گذاشته است. در ایران نیز نمایش‌های بسیاری را بازی یا کارگردانی کرده است. پیش‌تر در نمایش «اورفه» حسینی همکاری با رؤیا نونهالی را تجربه کرده است، اما این‌بار برعکس «اورفه»، در کمدی «تارتوف»، شاهکار مولیر او بازیگر بود و نونهالی کارگردان؛ نمایشی که تا جمعه گذشته در تالار شمس مؤسسه فارسی‌زبانان (اکو) روی صحنه بود. با او که این روزها مشغول تمرینات نمایش جدید علی رفیعی است، درباره این اجرا و چالش‌های کنونی تئاتر گفت‌وگو کردیم.

● چه ویژگی‌ای در نمایش «تارتوف» سبب شد شما بازی در آن را بپذیرید؟

بدیهی است که پیش از هر ویژگی دیگری، حضور خانم رؤیا نونهالی در کسوت کارگردان، مرا برای بازی در «تارتوف» ترغیب کرد. ۱۲ سال پیش، من با کارگردانی نمایش «اورفه» تجربه همکاری با ایشان را داشتم و آن تجربه بسیار خوبی بود. پس از این، حضور آقای رامین حیدری فاروغي، در مقام تهیه‌کننده، دلیل دیگرم برای حضور در این تئاتر بود. در مسند «شرق، دیوار، آفتاب»، به کارگردانی ایشان من راوی بودم. از سوی دیگر «تارتوف» اولین‌بار توسط مهشید نونهالی برای این اجرا ترجمه و منتشر شده بود که خانم مهشید نونهالی در ترجمه ادبیات فرانسه ورنه‌ای هستند؛ بانویی اهل قلم و اهل مطالعه که ترجمه‌شان از «تارتوف» درجه یک بود. دلایل دیگری هم برای حضور در این اجرا داشتم؛ مثلا دید و شناختی که خانم رؤیا نونهالی به‌عنوان کارگردان به موسیقی داشتند؛ چون موسیقی بخش مهمی از این اثر بود. تصانیف این کار را آقای فاروغي به نیکی سروده بودند. تصانیفی که برای من یادآور آثار برتولت برشت بود و به‌گونه‌ای می‌توان آن را جلوه‌ای از بیگانه‌سازی نظر برشت دانست. در آثار برشت هم وجه موسیقایی چشمگیر و شگفت‌انگیز است. برای من «تارتوف» خانم نونهالی، این تداعی را به وجود آورده بود. طراحی ایشان در این نمایش شگفت‌انگیز بود. پیران مهاجری که سال‌ها سازهای کوبه‌ای رستاک را می‌نواخت آهنگ‌های این نمایش را ساخت. روزبه مهر که نقش «تارتوف» را بازی می‌کرد هم به نحوی درخشان، از پس این بازی برآمد. با همه اینها حتما جا دارد که «تارتوف» باز هم اجرا شود. متأسفانه سالی‌اگو، چون سالیانی حرفه‌ای نیست، وقتی اثری آنجا اجرا می‌شود، حتما باید بعد از ۳۰ اجرای معمولش، در دیگر سالن‌ها نیز اجرا شود تا ساکنان نقاط دیگر شهر هم بتوانند آن را تماشا کنند.

من و گروه نمایش «تارتوف»، قول می‌دهیم به‌زودی با ترکیب‌بندی جدید و ایده‌های تازه، «تارتوف» خاص‌تری را دوباره روی صحنه بیاوریم. ● با توجه به اینکه «تارتوف»، اولین تجربه کارگردانی خانم نونهالی بود، چطور پیشنهادشان را برای بازی بپذیرفتید؟ خانم نونهالی کار کارگردانی‌شان را عالی شروع کردند و گام اول را محکم برداشتند. فراموش نکنیم که ۲۵ سال است ایشان در عرصه تئاتر و سینما پیوسته حضور دارند و تجربه‌ای که در این سال‌ها با کارگردان‌های معتبر داشته‌اند، همگی تضمینی بود برای اینکه ما مطمئن باشیم از پس این کار بر می‌آیند. ایشان تمرین‌های نمایش را قدرتمندانه آغاز کردند و تجربیات ۳۰ سال گذشته‌شان را برای اجرای موفق این اثر نمایشی به کار گرفتند. یکی از حسن‌های نونهالی این است که با زبان فرانسه بزرگ شده و اشراف کاملی به متن داشت. دیگر

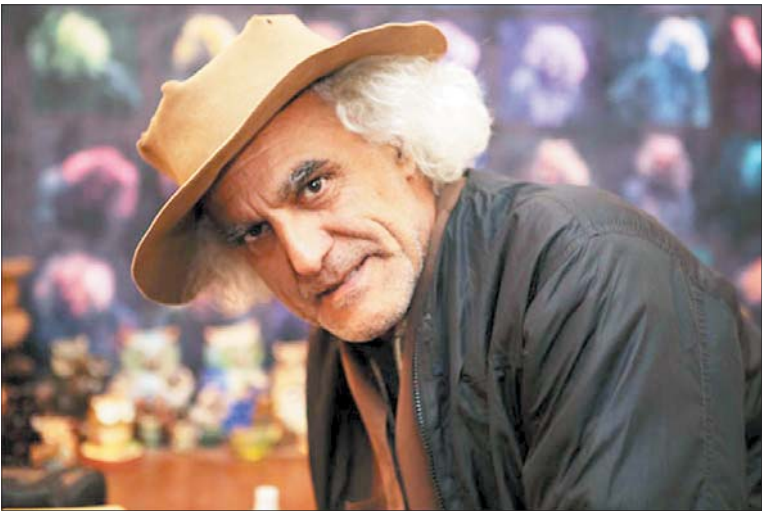
با آثاری از عکاس ایرانی

زنان ایزدی به فرانسه می‌روند



شرق: مجموعه عکس‌های آلفرد یعقوب‌زاده از زنان ایزدی در بیست‌وهفتمین جشنواره «پخپنیون» به نمایش گذاشته می‌شود. جشنواره عکس «ویزا پور لیماز» یا «ویزا برای تصویر» هرساله در شهر «پخپنیون» فرانسه برپا می‌شود که امسال وارد بیست‌وهفتمین دوره خود شده است. آلفرد یعقوب‌زاده، عکاس ایرانی ساکن فرانسه که به‌غیر از سه دوره، در تمام دوره‌های دیگر این رویداد شرکت داشته است، امسال نیز عازم این جشنواره خواهد شد. ۴۰ عکس از مجموعه زنان ایزدی او که توانسته‌اند از گروه داعش فرار کنند، در نمایشگاهی در جشنواره پخپنیون به نمایش گذاشته می‌شود.

به گفته یعقوب‌زاده، این مجموعه شامل عکس زنان ایزدی شهر سن‌سزار است. این شهر از سوی داعش مورد حمله قرار گرفت و زنان و کودکان آن به اسارت گرفته شدند. برخی از زنان اسیرشده توانستند فرار کنند و خود را به اردوگاهی در شمال عراق برسانند. این زنان از سوی گروه داعش مورد تجاوز قرار گرفته‌اند که بخش اول این مجموعه، عکاسی از این زنان است. این عکاس ایرانی در



باید دستگاه تئاتری‌ای باشد که از پس این تئاتر برنمی‌آید. چنین چیزی سبب شده کارها از سطح کیفی معمول پایین بیایند و آدم‌هایی از فوتبال و تلوویزیون برای جلب تماشاچی بیشتر و کسب درآمد بیشتر تئاتر بازی کنند تا مردم فقط ببخشند! اگر ما امروزه بخواهیم از تئاتر ملی صحبت کنیم، نیازمند مجموعه نمایشی یا ریتوار هستیم. تئاتر هیچ برنام‌های برای اجراهایش ندارد. آیا در برنامه تئاتر شهر گنجانده شده که سالی یک اثر از شکسپیر یا یک اثر ایرانی داشته باشیم؟ نه! تا دلتان بخواهد کارگردان و نویسنده هست و هرکسی کاری داشته باشد، به سالن اصلی تئاتر شهر می‌آید. تئاترمان برنامه‌ریزی ندارد. مدیریت ندارد. با این اوضاع، چرا همه‌ساله این همه دانشجوی می‌پذیرند؟ سالی هزارو ۲۰۰ دانشجوی فارغ‌التحصیل هنرهای نمایشی می‌آید و ۵۰ تایش هم جذب کار نمی‌شود. دانشجویها هم از ترم دو می‌خواهند بروند جلوی دوربین. واژه‌ای به غایت غلط هم به یکباره باب شد به اسم جوان‌گرایی یا تئاتر برای همه. اینها یعنی چه؟ وقتی نه سامان‌مندی‌ای در کار است و نه برنامه‌ریزی‌ای. سطح سواد دانشجویان پایین است. استادان هم که کارمند شده‌اند و فارغ‌التحصیلان هم همه افسرده‌اند؛ چون به آینده امید ندارند. دستگاه تئاتری‌مان همیشه آشفته بوده، امروز هم آشفته‌تر از همیشه است.

یک نفر از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس نشانم دھید که تئاتر ببیند. استناتا خانم ابتکار را توی سالن‌های تئاتر دیدم، اما شهردار تهران در این سالن‌ها تابه‌حال تئاتر دیده‌اند؟ درحالی‌که شهردار فرانکفورت هر هفته تئاتر می‌بیند تا با خبر باشد وضعیت فرهنگی شهرش چطور است. وقتی ما این‌همه محرومیم، معلوم است که تئاتر هم تحولی ندارد. مشکلات میشگی است. دولت‌ها عوض می‌شوند و مشکلات همچنان ادامه دارند.

● برگزاری جشنواره‌های مختلف تئاتری، مثل همین جشنواره آیینی- سنتی که هم‌اکنون برقرار است، در رونق تئاتر مؤثر خواهد بود؟ تا دلتان بخواهد جشنواره داریم. تجربه این سال‌ها نشان داده که برگزاری جشنواره‌ها فقط برای ایجاد آمار و ارقام است. همین نمایش‌های آیینی- سنتی خودش یکی از ارکان تئاتر ملی است. اما کمتر در آن به این‌ها و مراسم ما پرداخته می‌شود؛ مثلا بلوچستان آیینی دارد به نام «گوات»، در جنوب ایران مراسمی هست به اسم «زار»، ولی در جشنواره آیینی- سنتی اینها در نمایش‌های مربوط به این مناطق دیده نمی‌شود تا من کارگردان در تهران از چنین آیین‌هایی ناخبر شوم، بلکه بعدا بتوانم در کارهایم از آنها استفاده کنم. آیین‌ها و مراسم‌ها در ایران بسیارند و بخشی از تئاتر ملی ما هستند. اما به تدر تئاتر تزیین نمی‌شوند و در حد شعار باقی می‌مانند. تئاتری‌های ما کمتر با تئاترهای آیینی- سنتی آشنایند. حتی کسی که اهل بندرعباس است هم از سنت‌های بومی‌اش دور است و می‌خواهد نمایشش را به شکل مرسوم‌ی که در پایتخت وجود دارد، روی صحنه ببرد. ای کاش بتوانیم تماشاگر را با تمام شیوه‌های تئاتری موجود بیشتر آشنا کنیم. ای کاش می‌توانستیم توی تهران سالی داشته باشیم که فقط نمایش‌های آیینی را روی صحنه ببرد. روا نیست ۱۴میلیون شهروند تهرانی از چنین امکانی بهره‌مند نباشند.

چهره روز

گنج‌های: حال شجریان خوب است



● ایلنا: داوود گنج‌های، استاد موسیقی ایرانی و از اعضای شورای عالی خانه موسیقی، صبح دیروز، یکشنبه هشتم شهریور، به عبادت محمدرضا شجریان رفت. او درباره وضعیت جسمانی شجریان گفت: حال آقای شجریان خوب بود و به‌زودی مرخص می‌شود. مشکل تنها یک عفونت روی بود که مسئله پیچیده‌ای نیست. محمدرضا شجریان، استاد آواز ایران، از روز پنجشنبه در بیمارستان کسری بستری شده است.

زیر آسمان فیروزهای

معرفی نامزدهای جشن خانه سینما

● بهناز شیربانی: جشن خانه سینما و معرفی نامزدهایش معمولا همیشه طی این سال‌ها بحث و جالش‌های زیادی ایجاد کرده. خصوصا اینکه تفاوت‌های محسوسی بین انتخاب‌های اهالی سینما و داوران جشنواره فیلم فجر وجود داشته است. اسامی نامزدهای هفدهمین جشن خانه سینما نیز درحالی اعلام شدند که باز هم این تفاوت به چشم می‌خورد. نخستین بخش داوری فیلم‌های بلند سینمایی به اتمام رسیده است و در این‌میان سه فیلم «چندمترمکعب عشق»، «در دنیای تو ساعت چند است» و «قصه‌ها» رکورددار دریافت جایزه در بخش‌های مختلف شدند. این در حالی است که فیلم «در دنیای تو ساعت چند است» که فیلم برگزیده منتقدان سال گذشته اعلام شد، در جشنواره فیلم فجر در بخش ملی جایزه‌ای دریافت نکرد و تنها جایزه بهترین فیلم‌نامه بخش بین‌الملل به صفی یزدانیان اهدا شد. در نشست تشریح روند برگزاری جشن خانه سینما با حضور همایون اسعدیان، دبیر جشن و مازیار میری، دبیر اجرایی جشن، اعلام شد که از مجموع ۵۸ فیلم متقاضی در جشن، ۲۴ فیلم به مرحله دوم داوری‌ها راه پیدا کرده‌اند که از ۱۱ شهریور داوری آنها انجام خواهد شد و تا تاریخ ۲۰ شهریور که جشن خانه سینما در امارت مسعودیه برگزار خواهد شد، جشن‌های فیلم کوتاه، مستند، انیمیشن و بزرگداشت‌ها در تالار ایوان شمس برگزار می‌شود.

اسعدیان اعلام کرد که در آیین بزرگداشت‌های جشن خانه سینما از سعید پورصمیمی به‌دلیل یک عصر فعالیت سینمایی، فرهاد وهرام، مستندساز پیش‌کسوت سینما و احمدرضا درویش، فیلم‌ساز کهنه‌کار سینما، تقدیر خواهد شد و جایزه زنده‌یاد سیف‌الله داد به علیرضا داوودنژاد تعلق خواهد گرفت. اسعدیان همچنین «صنایع شیر پگاه» را حامی مالی جشن اعلام کرد و گفت: تا یک هفته پیش به این فکر می‌کردیم که در نهایت چه کسی حامی مالی جشن خواهد شد. امروز حتی جواب تلفن‌های ارگان‌ها و شرکت‌هایی که درخواست حمایت مالی از جشن را دارند را نمی‌توانیم بدهیم. صنایع شیر پگاه برخورد بسیار مثبت و خوبی با ما داشتند و علاقه‌مند بودند که در زمینه فرهنگ مشارکت کنند.

مازیار میری، دبیر اجرایی جشن، نیز نامزدهای هفدهمین جشن بزرگ سینمای ایران را اعلام کرد. نامزدهای بهترین فیلم: «چندمترمکعب عشق» به تهیه‌کنندگی نوید محمودی، «در دنیای تو ساعت چند است؟» به تهیه‌کنندگی علی مصفا، «شیار۱۳۴» به تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی- ابودر پورمحمدی، «قصه‌ها» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد و «ماهی و گربه» به تهیه‌کنندگی سپهر سیفی. نامزدهای بهترین کارگردانی: جمشید محمودی برای «چندمترمکعب عشق»، رخشان بنی‌اعتماد برای «قصه‌ها»، شهرام مکرری برای «ماهی و گربه»، صفی یزدانیان برای «در دنیای تو ساعت چند است؟» و مجید بزرگ برای «پرویز». نامزدهای بهترین فیلم‌نامه: جمشید محمودی برای «چندمترمکعب عشق»، رخشان بنی‌اعتماد و فرید مصطفوی برای «قصه‌ها»، صفی یزدانیان برای «شیار۱۳۴». نامزدهای بهترین بازیگر نقش اول مرد: حامد بهداد برای «آرایش غلیظ»، ساعد سهیلی برای «چندمترمکعب عشق»، صابر ابر برای «همه‌چیز برای فروش»، علی مصفا برای «در دنیای تو ساعت چند است» و لوبون هفتون برای «پرویز». نامزدهای بهترین بازیگر نقش اول زن: یانته بهرام برای «بیگانه»، ترانه علیدوستی برای «استراحت مطلق»، روبا نونهالی برای «تراژدی»، میرا زارعی برای «شیار۱۳۴» و مهتاب کرمانی برای «عصر یخبندان». نامزدهای بهترین نقش مکمل مرد: پیمان معادی برای «قصه‌ها»، جمال اجلائی برای «آرایش غلیظ»، مجید صالحی برای «استراحت مطلق»، محسن کلبایی برای «عصر یخبندان»، نادر فلاح «چندمترمکعب عشق» و هومن برق‌نورد «بیگانه». نامزدهای بهترین نقش مکمل زن: باران کتوری برای «قصه‌ها»، یانته‌ا بناهی‌ها برای «گس»، کلاب آدینه برای «قصه‌ها»، گوهر خیراندیش «آتش‌بس ۲» و مهناز افشار برای «بیگانه».